**( 136 )**

**هو الأبهی**

ای حبیب من چندیست که اثر قلمی پدید نه و خبری از آن مفتون الهی و شیدای جمال رحمانی نمیرسد چه شده است که بلبل از غزلخوانی در گلشن الهی باز مانده و چه واقع گشته که خم مل محبت الله از جوش و خروش افتاده و حال آنکه باید آنا فآنا جوشش و حرارت و سورتش زیاده گردد تا آن اقلیم را خمخانه صهباء جنت نعیم نماید آنجناب باید چنان نغمه و آوازی برآرند که امکان را باهتزاز آرند و شرق و غرب را سرمست باده رمز و راز نمایند نه اینکه سکوت اختیار کنید و سر در آغوش صمت درآرید وقت نطق و بیانست و هنگام قیام بعبودیت حضرت یزدان عبودیت آن ذات احدیت امانت عظیمه است که ثقل اعظمست و آسمان و زمین و جبال از حملش عاجز پس حاضر شو که این بار گرانرا در کمال روح و ریحان چون این عبد حمل نمائی و مورد طعن و سب و شتم و تکفیر و تفسیق و شبهات امم گردی تا قطره‌ئی از بحر بلایای جمال قدم روحی لعباده الفدا نصیب بری و البهآء علیک یا حبیبی (ع ع)